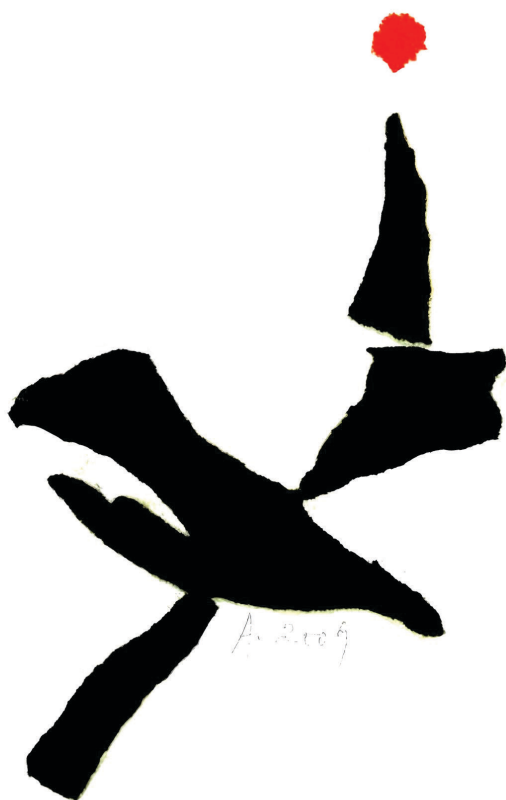


# رازها و ریشه‌ها

(منتخب دوزبانه شعر ادونیس)



## درباره کتاب

در تدوین این منتخب دوزبانه، ضمن بهره‌مندی از منتخب محمد عظیمه از شعرهای آدونیس، دیوان الشعر العربی الجديد، گزینش شعرها گزینشی آزادانه از میان شعرهای کوتاه و بلند شاعر از دفترهای قدیم و جدید شاعر بوده؛ همچنان که خود در دیوان البیت الواحد فی الشعر العربی و دیگر منتخبات شعری رفتار کرده است. در این به‌گزینی‌ها لحظه‌های ناب شاعرانه و اندیشه‌های والای شاعر، بیش از هر چیزی پیش نظر بوده است.

در بخش نخست کوشیدم شعر او را در پرتو اندیشه‌های هایدگر واکاوم و این جمله معروف او را تبیین کنم: «من از آینده می‌آیم»؛ جمله‌ای که هم، کلید فهم بسیاری از اشعار او است و هم نشانه تأثیرپذیری او از شعر و فلسفه آلمان؛ زیرا هایدگر هولدرلین را شاعری می‌دانست که از آینده آمده است.

## درباره شاعر

علی احمد سعید اسپر معروف به آدونیس، متولد ۱۹۳۰، در کنار چندین شخصیت جریان‌ساز شعر کلاسیک و معاصر عرب: امرؤ القیس؛ ابوتمام؛ متنبی و السیاب، به تعبیر ادوارد سعید فقید، شاعر عظیم و یگانه‌ای است که به شهادت بیشتر منتقدان، پیش‌آهنگ جریان شعری است که در گذشته یا اکنون حریف و هم‌وردی نداشته و ندارد و پدیده فرهنگی یگانه و شخصیتی استثنایی است که بیشتر مخاطبان جدی شعر و منتقدان جهان و به‌ویژه عرب‌زبان‌ها برای همیشه دین‌دارش خواهند بود.

آدونیس نه تنها شاعر؛ بلکه به تعبیری، متفکری است که در شعر می‌اندیشد. از همین رو، او شاعری در اعماق است که رسیدن به ژرفای شعر و اندیشه‌اش، اگر محال نباشد، بسیار صعب است؛ زیرا متن پنهان اندیشه و شعرش به ژرفا و فراخی اقیانوس آرام است. آثار وی، به‌ویژه دفترهای شعرش، مجمع‌البحرین ادب اسلامی و ادب غربی است. تکتُر و تعدد نام‌های متفکران و شاعران بزرگ دو جهان اسلام و غرب در آثار وی به حدی است که می‌توان از آن به «جشنواره بزرگ نام‌ها» یاد کرد.

## درباره مترجم

حبیب‌الله عباسی، استاد دانشگاه خوارزمی، مؤلف، مصحح و مترجم که در حوزه‌های نثر کهن فارسی، به‌ویژه نثر تاریخی و عرفانی، تصوف و ادبیات تطبیقی فعالیت می‌کند و در کارنامه خود مجموعه‌ای از آثار مختلف و بیش از هفتاد مقاله علمی - پژوهشی در مجلات معتبر داخلی و خارجی به زبان‌های فارسی و عربی دارد. تالیفات: عروض و قافیه؛ سماع قرآن و کشته‌های آن و سفرنامه باران؛ متنبی شاعری



تقلیل‌ناپذیر و پدر پیامبران در قرآن (خوانشی دینی - تاریخی، فلسفی - ادبی داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup>). تصحیحات: دیوان قاسم انوار؛ تاریخ جهانگشای جوینی. ترجمه‌ها: تصوف و سوزن‌البیس؛ ثابت و متحول (۴ جلد)؛ رویکردهای شعر معاصر عرب؛ هیبرگلیف در قرآن کریم؛ متن قرآنی و آفاق نگارش؛ آب به‌تنهایی پاسخ تشنگی نیست؛ خیال حلاج؛ ساعت بغداد؛ نان روی پیشخوان دایی میلاد؛ آب بیگانگی بی‌بر و همین کتاب.

# رازها و ریشه‌ها

(منتخب دوزبانه شعر آدونیس)

نقد و تحلیل، گزینش و گزارش:

دکتر حبیب‌الله عباسی

(استاد دانشگاه خوارزمی)



آدونیس، ۱۹۳۰-م Adunis  
رازها و ریشه‌ها/ (منتخب دوزبانه شعر آدونیس) ترجمه دکتر حبیب‌الله عباسی.  
ویراستار متن فارسی: مهدی سجودی مقدم.

تهران: مهراندیش، ۱۴۰۳  
۳۹۶ ص. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۵۸-۲۰-۴  
۸۹۲/۷۱۶ PJA۴۸۴۸ ۹۵۹۸۹۳۵



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «ا» مشخص می‌شود، استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که به جای ویرگول نابجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های خواندن درست متن فارسی را نیز برطرف می‌کند.



## رازها و ریشه‌ها

(منتخب دوزبانه شعر آدونیس)

- نقد و تحلیل، گزینش و گزارش: دکتر حبیب‌الله عباسی.
- ویراستار متن فارسی: مهدی سجودی مقدم.
- گرافیکست: پیمانہ صفائی تهرانی.
- چاپ: اول، تهران، ۱۴۰۴. شماره نشر ۳۹۷.
- چاپ: قشقای۱. ۵۰۰ نسخه.
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۵۸-۲۰-۴.
- قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان.



هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به‌صورت کامل و یا بخشی از آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و موجب پیگرد قانونی است

### انتشارات مهراندیش

خیابان فلسطین شمالی، بعد از خیابان بزرگمهر، نرسیده به خیابان انقلاب،  
بن‌بست نیلوفر، شماره ۱، واحد یک. کدپستی: ۱۴۱۶۹۳۴۱۱۳  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۹۳۶۵ همراه: ۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲



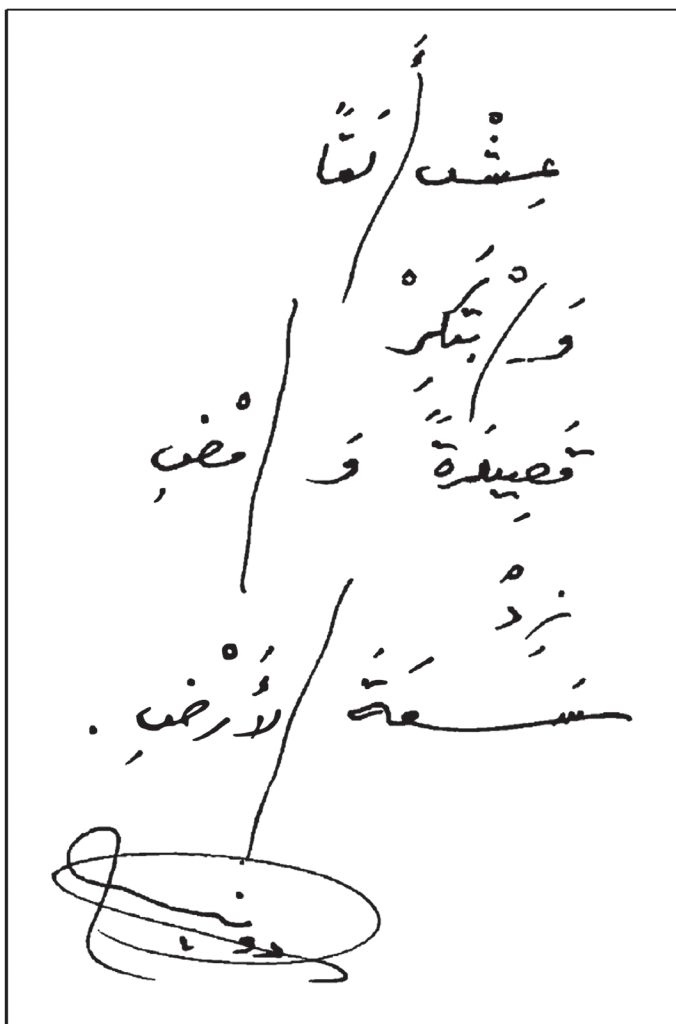
www.mehrandishbooks.com

mehrandish@yahoo.com

f mehrandishnashr

ig mehrandishbooks

@mehrandishbooks



این شعر را آدونیس برای مترجم در دانشگاه سوربن با حضور همکاران دانشگاه خوارزمی، اسفند ۹۶، نوشت.



## فهرست

|    |                                               |
|----|-----------------------------------------------|
| ۱۹ | ..... سرسخن                                   |
| ۳۱ | ..... روایتی از زندگی و آثار مهیار دمشقی      |
| ۳۹ | ..... خوانش هایدگری شعر آدونیس                |
| ۵۱ | ..... رازها و ریشه‌ها                         |
| ۵۱ | ..... منتخب دوزبانۀ شعر آدونیس                |
| ۵۳ | ..... الحوار / گفت‌وگو                        |
| ۵۵ | ..... أَوَّلُ الْعَهْد / پیمان نخستین         |
| ۵۶ | ..... أَوَّلُ الْكَلَامِ / سرآغاز سخن         |
| ۵۸ | ..... خَیْطَانِ سِحْرِ / رشته‌های سپید        |
| ۵۸ | ..... أَيْنَ يَكُونُ؟ / کجایند؟               |
| ۶۰ | ..... شَعْرِي / شعر من                        |
| ۶۰ | ..... تعلیمات / آموزه‌ها                      |
| ۶۲ | ..... تَحْدِیْثُ الرِّوَاقِ / نوسازی این رواق |
| ۶۲ | ..... مِرْآتُ / آینه در آینه                  |

- حاملُ الزُّهر / گل فروش ..... ۶۴
- قَیس و لَیلی / مجنون و لیلی ..... ۶۴
- کَمِیل شاعر / بهسان شاعری ..... ۶۶
- نافِذَةُ الْجَزَاءِ / پنجره همسایه ..... ۶۶
- بَرَدی / رودخانه بَرَدی ..... ۶۸
- وَجَبَةُ الْعَصْرِ / عصرانه ..... ۶۸
- وَرَقْ / برگ ..... ۷۰
- شُعراء / شاعران ..... ۷۰
- مِرآةُ الطَّرِيقِ / آینه جاده ..... ۷۲
- الْفَضَاءُ / فضا ..... ۷۲
- أَمَّا بَعْدَ / اما بعد ..... ۷۴
- لَحْظَةُ شَوِيهٍ / تنها لحظه ای ..... ۷۴
- أَجِئْ وَلَا أَجِئْ / می آیم و نمی آیم ..... ۷۶
- مُؤَدَّ الْبِرَقِ / پخش کننده صاعقه ..... ۷۶
- العاشق / عاشق ..... ۷۸
- تَنْزِيلُ الصُّورِ / آفرینش تصویرها ..... ۷۸
- زائِرُ الْمَقَامِ / زائر حرم ..... ۸۰
- فُرْصَةُ أُخْرَى / فرصتی دیگر ..... ۸۰
- مِهْيَار / مهیار ..... ۸۲
- الجبای / مأمور مالیات ..... ۸۲
- بحماية لو و لو... / در پناه کاش و کاش ..... ۸۴
- الجسد / پیکر ..... ۸۴
- میم، سین / میم و سین ..... ۸۶
- وَهُمْ / پنداری ..... ۸۶
- الاسم / نام ..... ۸۸
- دُكَّانُ الْأَسْمَاءِ / مغازه نام‌ها ..... ۸۸
- ما هُوَ؟ / آن چیست؟ ..... ۹۰
- رُبَّمَا / شاید ..... ۹۰
- الشَّوْقُ / شوق ..... ۹۲
- الْحَائِكُ / بافنده ..... ۹۲

|                                                   |     |
|---------------------------------------------------|-----|
| باقَّةٌ مِنَ الْوَرْدِ / دسته‌ای گل.....          | ۹۴  |
| أَوَّلُ الْجَسَدِ / سرآغاز تن .....               | ۹۴  |
| مَضَى / روانه شد .....                            | ۹۶  |
| مَرَّةً وَاحِدَةً / یک بار .....                  | ۹۶  |
| نُصْفَانِ / دو نیمه .....                         | ۹۸  |
| السَّائِحِ / گردشگر .....                         | ۹۸  |
| الْحَقُّ / حق .....                               | ۱۰۰ |
| قَاسِيُونَ / قاسیون .....                         | ۱۰۰ |
| وَرَقٌ / کاغذی .....                              | ۱۰۲ |
| الْقَاتِلِ / قاتل .....                           | ۱۰۲ |
| فِي الْمَدِينَةِ / در شهر .....                   | ۱۰۴ |
| مَوْطِنٌ / میهن .....                             | ۱۰۴ |
| صَلَاةٌ وَحُبٌّ / نماز و عشق .....                | ۱۰۶ |
| كُلُّ جَارِحَةٍ بِلَادٌ / هر عضوی کشوری است ..... | ۱۰۶ |
| عَلَى الطَّرِيقِ / در راه .....                   | ۱۰۸ |
| تَلْمِیْذٌ / شاگردی .....                         | ۱۰۸ |
| كِتَابُ امْرَأَةٍ / کتاب یک زن .....              | ۱۱۰ |
| لَيْلَى / لیلی .....                              | ۱۱۰ |
| الْجَبَلِ / کوه .....                             | ۱۱۲ |
| بِرَاعٍ / غنچه‌ها .....                           | ۱۱۲ |
| نَحْوِ آخِرِ / به گونه‌ای دیگر .....              | ۱۱۴ |
| طَبِيعَةٌ / طبیعت .....                           | ۱۱۴ |
| غَنَاءٌ / آواز خوانی .....                        | ۱۱۶ |
| كَلِمَةً وَقَبْرٍ / کلمه و گور .....              | ۱۱۶ |
| الْمَحْوُ / پاک شدن .....                         | ۱۱۸ |
| لَاقِيْنِي / ملاقاتم کن .....                     | ۱۱۸ |
| فِرَاحٌ / تهنیت .....                             | ۱۲۰ |
| قَلَقٌ / اضطراب .....                             | ۱۲۰ |
| النَّفْطُ / نفت .....                             | ۱۲۲ |
| رِيحٌ وَمَطَرٌ / باد و باران .....                | ۱۲۲ |

|          |                                  |
|----------|----------------------------------|
| ۱۲۴..... | تصحیح / ویراستن                  |
| ۱۲۴..... | يَحْلُو / خوش می‌دارد            |
| ۱۲۶..... | السَّجْن / زندان                 |
| ۱۲۶..... | هنا / اینجا                      |
| ۱۲۸..... | طُفُولَة / کودکی                 |
| ۱۲۸..... | الْمَقْهَى / کافه                |
| ۱۳۰..... | بدیل / جایگزین                   |
| ۱۳۰..... | يُتَبَغَى / بایسته است           |
| ۱۳۲..... | لِأَيِّ قَضِيَةٍ / برای کدامین   |
| ۱۳۲..... | خُد / بستان                      |
| ۱۳۴..... | نساء / زنان                      |
| ۱۳۴..... | كُهُولَة / کهن سالی              |
| ۱۳۶..... | کیف / چه‌سان                     |
| ۱۳۶..... | غریب / غریبه                     |
| ۱۳۸..... | إِنْ أَتَى، / اگر آمد            |
| ۱۳۸..... | وَرَأَيْتُ / و دیدم              |
| ۱۴۰..... | صَوْنُ الْقَمَر / پرتو ماه       |
| ۱۴۰..... | الغبار / غبار                    |
| ۱۴۲..... | الغُراب / کلاغ                   |
| ۱۴۲..... | لماذا؟ / چرا؟                    |
| ۱۴۴..... | أَسْمَعُ / می‌شنوم               |
| ۱۴۴..... | تَحِيَّةٌ فَقَطْ / تنها سلام     |
| ۱۴۶..... | قربان / آیین قربانی              |
| ۱۴۶..... | اُترانی / آیا مرا می‌بینی؟       |
| ۱۴۸..... | هل رأيت؟ / آیا دیدی؟             |
| ۱۴۸..... | بِنَا يَنْفَرُحُ / ز ما شاد گردد |
| ۱۵۰..... | السَّمَاءُ / سماوه               |
| ۱۵۰..... | حَجَرَه / سنگی                   |
| ۱۵۲..... | رَفِيفٌ / رفره‌ای                |
| ۱۵۲..... | القاعدة / قاعده                  |

|     |                                             |
|-----|---------------------------------------------|
| ۱۵۴ | أبی / پدرم .....                            |
| ۱۵۴ | بَوَابَةُ الْغُرَابَةِ / دروازه شگفتی ..... |
| ۱۵۶ | عَجَبِي / در شگفتم .....                    |
| ۱۵۶ | مَا الَّذِي / چیست؟ .....                   |
| ۱۵۸ | الْقُطَافُ / چیش .....                      |
| ۱۵۸ | سَأَرْتُ / خواهم دید .....                  |
| ۱۶۰ | لَا أَحِبُّ / دوست ندارم .....              |
| ۱۶۰ | وَأَنْتُمْ / و شمايان .....                 |
| ۱۶۲ | أَقِيمُ / من می مانم .....                  |
| ۱۶۲ | هَاتُوا / بیاورید .....                     |
| ۱۶۴ | مِنْ مُحَالٍ / غیر ممکن .....               |
| ۱۶۴ | الْمَائِدَةُ / سفره .....                   |
| ۱۶۶ | أَسْرَعِي / بشتاب .....                     |
| ۱۶۶ | صِرْتُ / شدم .....                          |
| ۱۶۸ | أَسْكُنُ / سکنا می گزینم .....              |
| ۱۶۸ | الطَّبِيبُ / طبیب .....                     |
| ۱۷۰ | مَنْ أَنْتَ؟ / کیستی؟ .....                 |
| ۱۷۰ | فِي لَحْظَةٍ وَاحِدَةٍ / در یک لحظه .....   |
| ۱۷۲ | لَيْسَ / نیست .....                         |
| ۱۷۲ | جِلْدَةُ أَنْتَ / تو پاره پوستی .....       |
| ۱۷۴ | أَفْلَنْ / چرا هرگز .....                   |
| ۱۷۴ | هُنَا / اینجا .....                         |
| ۱۷۶ | وَأَنَا الْآنَ / و من کنون .....            |
| ۱۷۶ | جَاءَنِي / نزد من آمد .....                 |
| ۱۷۸ | مَاذَا؟ / چه؟ .....                         |
| ۱۷۸ | تَهَبُّطٌ / هبوط می کند .....               |
| ۱۸۰ | تَقَالِيدُ / سنت ها .....                   |
| ۱۸۰ | وَجْهٌ مِهْيَارٌ / چهره مهیار .....         |
| ۱۸۲ | المریدون / مریدان .....                     |
| ۱۸۲ | صَلَّيْتُ / نماز خواندم .....               |

|                                            |     |
|--------------------------------------------|-----|
| وَيَقُولُ / و می گوید.....                 | ۱۸۴ |
| أَلِهَذَا / آیا از این رو.....             | ۱۸۴ |
| لَوْنُ / رنگ.....                          | ۱۸۶ |
| لَمْ يَبْقَ / نماند.....                   | ۱۸۶ |
| عِشْ / زندگی کن.....                       | ۱۸۸ |
| القصيدة / شعر.....                         | ۱۸۸ |
| مَنْ نَقَلَ / راوی کیست؟.....              | ۱۹۰ |
| الْصَّبَاحُ / بامداد.....                  | ۱۹۰ |
| عَسْكَرِي / نظامی.....                     | ۱۹۲ |
| إِنْهَضَى / برخیز.....                     | ۱۹۲ |
| أَلَا تَرَى / آیا نمی بینی.....            | ۱۹۴ |
| غَيْرَآنَّ / اما.....                      | ۱۹۴ |
| مَا زِلْتُ / هنوز.....                     | ۱۹۶ |
| صِغَارِ بِلَادِي / کودکان سرزمینم.....     | ۱۹۶ |
| يَجِرُّ / می کشد.....                      | ۱۹۸ |
| وَحِينَمَا / وقتی که.....                  | ۱۹۸ |
| لَمْ أَعِدْ / دیگر.....                    | ۲۰۰ |
| لَمْ يُغْفَرْ لَهُ / بر او نمی بخشاید..... | ۲۰۰ |
| هُنَا أَبْدَأُ / از اینجا شروع کنم.....    | ۲۰۲ |
| حَيْثُ كُنَّا / وقتی که بودیم.....         | ۲۰۲ |
| أَرْضُنَا / سرزمین ما.....                 | ۲۰۴ |
| تَفَجَّرَ / منفجر شو.....                  | ۲۰۴ |
| لَا شَيْءَ / یک روز.....                   | ۲۰۶ |
| ذَاتَ يَوْمٍ / هیچ چیز.....                | ۲۰۶ |
| مَا أَسْهَلَ / چه آسان.....                | ۲۰۸ |
| كُلِّ مَا / هر چه که.....                  | ۲۰۸ |
| غَبْتُ / نهان شدم.....                     | ۲۱۰ |
| تُرَابٍ / خاک.....                         | ۲۱۰ |
| فِينِيقُ / ققنوس.....                      | ۲۱۲ |
| وَأَصَيْفُ / و می پیوندم.....              | ۲۱۲ |

## فهرست ۱۳

|                                                  |     |
|--------------------------------------------------|-----|
| یا / ای .....                                    | ۲۱۴ |
| من قال / چه کسی گفت .....                        | ۲۱۴ |
| أَسْعَدَنِي / یاری ام کرد .....                  | ۲۱۶ |
| وَذَاتَ يَوْمٍ / روزی .....                      | ۲۱۶ |
| السَّمَاءُ هُنَا / آسمان در اینجا .....          | ۲۱۸ |
| رَأْسِي / سر من .....                            | ۲۱۸ |
| صُورَتِي / تصویر من .....                        | ۲۲۰ |
| شَحْمٌ / بیه .....                               | ۲۲۰ |
| لَكِنْ / اما .....                               | ۲۲۲ |
| سَأَلَ / پرسید .....                             | ۲۲۲ |
| الْخَرِيفُ / پاییز .....                         | ۲۲۴ |
| زَهْرَةٌ وَاحِدَةٌ / گلی یگانه .....             | ۲۲۴ |
| لَوَائِنِي / ای کاش من .....                     | ۲۲۶ |
| رَقَصْتُ / رقصید .....                           | ۲۲۶ |
| كُلُّ مَا قُلْتَهُ / هر آنچه را که گفتم .....    | ۲۲۸ |
| مَا أَمَرَ / چه تلخ است .....                    | ۲۲۸ |
| نَادِرٌ أَنْ / به ندرت .....                     | ۲۳۰ |
| زَرْعُهُ / کشت وی .....                          | ۲۳۰ |
| مِنْ أَيْنَ / از کجا .....                       | ۲۳۲ |
| التَّحِيَّةُ لِلطُّيُورِ / سلام بر پرندگان ..... | ۲۳۲ |
| هُوَ ذَا وَجْهِي / این همان چهره من است .....    | ۲۳۴ |
| وَأَعَشَقْتُ / و دوست دارم .....                 | ۲۳۶ |
| وَيَا أَيُّهَا / هان ای شیخ .....                | ۲۳۶ |
| ثَمَّةٌ رُؤُوسٌ / سرهایی هستند .....             | ۲۳۸ |
| ماذا؟ / چرا؟ .....                               | ۲۳۸ |
| لَوْنُ صَدْرِي / رنگ سینه ام .....               | ۲۴۰ |
| عندما / وقتی که .....                            | ۲۴۰ |
| أَيَّامُنَا / روزهای ما .....                    | ۲۴۲ |
| مَنْ يَشْتَرِي / چه کسی می خرد .....             | ۲۴۲ |
| وَأَقُولُ مِنْ ضَجَرٍ / اندوه زده می گویم .....  | ۲۴۴ |

|     |                                             |
|-----|---------------------------------------------|
| ۲۴۴ | الْحَرْبُ / جنگ                             |
| ۲۴۶ | قُلْتُ / گفتم                               |
| ۲۴۶ | سَلَام / سلام                               |
| ۲۴۸ | رُبَّمَا / شاید                             |
| ۲۴۸ | لیس فی / در من نیست                         |
| ۲۵۰ | الْبُهْلُولُ / بهلول                        |
| ۲۵۰ | فی المَدینة / در شهر                        |
| ۲۵۲ | فی التَّبدءِ / در آغاز                      |
| ۲۵۲ | أَكْثَرُ مِنْ / بیش از                      |
| ۲۵۴ | أَرَفَسْتُ الْوُحُوشَ / بیدارم کردند        |
| ۲۵۴ | وَأَنْظُرِي / و بنگر                        |
| ۲۵۶ | لَا تَسَلْ / مپرس                           |
| ۲۵۶ | فی اللیل / در شب                            |
| ۲۵۸ | الْفُصُولُ / فصل‌ها                         |
| ۲۵۸ | أَزْمِنْ فِیکِ / در تو به زمان تعلق می‌یابم |
| ۲۶۰ | طینة / گلی                                  |
| ۲۶۰ | الْأَمَةُ اسْتَرَا حَتْ / ملت آرام گرفت     |
| ۲۶۲ | کُلَّ یَوْمٍ / هر روز                       |
| ۲۶۲ | الصَّدَى / پژواک                            |
| ۲۶۴ | إِنْ شِئْتَ / اگر خواستی                    |
| ۲۶۴ | طَیْفٌ حَزینٌ / خیالی اندوهگین              |
| ۲۶۶ | کُلُّهُمْ أَصْدِقَاءُ / همه دوستان‌اند      |
| ۲۶۶ | وَهَا أَنَا / این منم                       |
| ۲۶۸ | مَا الَّذِیْ / آنچه                         |
| ۲۶۸ | فَارِسٌ / سوار                              |
| ۲۷۰ | مُسَافِرٌ / مسافری                          |
| ۲۷۰ | النَّیْلُ / نیل                             |
| ۲۷۲ | عَاشِشَةٌ تَقُولُ / عایشه                   |
| ۲۷۲ | شَارِدٌ / رمنده سرکش                        |
| ۲۷۴ | لِی وَطَنٌ / میهن من                        |

|     |                                                     |
|-----|-----------------------------------------------------|
| ۲۷۴ | لا تَسَّسَ / فراموش مکن                             |
| ۲۷۶ | مَنَازَةٌ مُطْفَأَةٌ / فانوس دریای خاموش            |
| ۲۷۶ | رَوَى / سیراب کرد                                   |
| ۲۷۸ | مَصِيرُ الْهَوَاءِ / فرجام هوا                      |
| ۲۷۸ | لَنْ أَكُونَ / هرگز نبودم                           |
| ۲۸۰ | سَبَّرَى / خواهد دید                                |
| ۲۸۰ | مُسَافِرُونَ / مسافران                              |
| ۲۸۲ | كَتَبْتُ / نوشتم                                    |
| ۲۸۲ | زوجتی الغربیة / همسر غربی ام                        |
| ۲۸۴ | غَيْمٌ / ابری                                       |
| ۲۸۴ | الرغیف / قرص نان                                    |
| ۲۸۶ | مَوْلَاىَ / سرورم                                   |
| ۲۸۶ | ضَعُ رَأْسَكَ / سرت را بنه                          |
| ۲۸۸ | بَيْنَ عَيْنَيَّ / میان چشم هایم                    |
| ۲۸۸ | أَتَحَيَّلُ أَتَى / گمان می کنم که من               |
| ۲۹۰ | وَلِهَذَا لَا يَثْرُكُنِي / از این رو رهایم نمی کند |
| ۲۹۰ | إِبْتَدِعْ / بدعتی بنه                              |
| ۲۹۲ | فَيْنِقْنَا الْجَدِيدِ / ققنوس جدید ما              |
| ۲۹۲ | الْوُجُوهُ / رخساره ها                              |
| ۲۹۴ | حَلَبَ / حلب                                        |
| ۲۹۴ | شرطی / پاسبان                                       |
| ۲۹۶ | الْحُرُوفُ / حروف                                   |
| ۲۹۶ | الْجُسُورُ / پل ها                                  |
| ۲۹۸ | كَاتِبَةٌ / ابر                                     |
| ۲۹۸ | تَعَبْتُ / خسته شد                                  |
| ۳۰۰ | كُلُّ مَا / هر چه که                                |
| ۳۰۰ | رَأْسُ مِهْيَارٍ / سر مِهیّار                       |
| ۳۰۲ | عَجَبًا / شگفتنا                                    |
| ۳۰۲ | قَلَقْتُ ذَاهِبٌ / اضطرابی رونده                    |
| ۳۰۴ | غَيْرَ أَتَى / اما من                               |

|                                     |     |
|-------------------------------------|-----|
| رَأْسِي / سرِ من                    | ۳۰۴ |
| لِيَغِبْ / باید نهان شود            | ۳۰۶ |
| أُمْسِكِي بِيَدِي / دستم را بگیر    | ۳۰۶ |
| قَدَمَايَ / پاهای من                | ۳۰۸ |
| سَنَطَحْنِ / آرد می‌کنیم            | ۳۰۸ |
| الْمَقَاهِي / کافه‌ها               | ۳۱۰ |
| دِمَشْقُ / دمشق                     | ۳۱۰ |
| الرَّائِلُ / زایل شونده             | ۳۱۲ |
| طُيُورُ السَّفَرِ / پرندگان سفر     | ۳۱۲ |
| يَحْدُثُ / اتفاق می‌افتد            | ۳۱۴ |
| مَا أَشَقَّى / چقدر بدبخت است       | ۳۱۴ |
| أَحْتَقِي / جشن می‌گیرم             | ۳۱۶ |
| شَاهِدُ الشَّعْرِ / شاهدِ شعر       | ۳۱۶ |
| لَا نَارَ فِي / هیچ آتشی در من نیست | ۳۱۸ |
| فَأَرَهُ / موشی                     | ۳۱۸ |
| لَا وُجُودَ / هیچ هستی نیست         | ۳۲۰ |
| الحَجَرُ / سنگ                      | ۳۲۰ |
| الْمَنَازِلُ / منزل‌ها              | ۳۲۲ |
| نِصْفُهُ / نیمی از آن               | ۳۲۲ |
| طَبَخْتُ / پخت                      | ۳۲۴ |
| الْحِذَاءُ الْعَتِيقَ / کفش کهنه    | ۳۲۴ |
| أَنَا الَّذِي / من آنم که           | ۳۲۶ |
| يَكْفِي / کافی ست                   | ۳۲۶ |
| ضِيَاعُ / تباهی                     | ۳۲۸ |
| شِفَايَ / درمان من                  | ۳۲۸ |
| زَمَنُ / زمان                       | ۳۳۰ |
| أُهْبطُوا / هبوط کنید               | ۳۳۰ |
| مِلَتْ / امت                        | ۳۳۲ |
| هَاتِهَا / باده بده                 | ۳۳۲ |
| مَا لَكُمْ / برای چه                | ۳۳۴ |

|     |                                       |
|-----|---------------------------------------|
| ۳۳۴ | سَاقِصْ / روایت می‌کنم                |
| ۳۳۶ | رَمْلُ الْكَلَامِ / رمل سخن           |
| ۳۳۶ | أَشْتَاقُ / مشتاقم                    |
| ۳۳۸ | أَجْمَعُ / جمع می‌کنم                 |
| ۳۳۸ | بَيْتُنَا / خانه ما                   |
| ۳۴۰ | الْقَلَاعُ / قلعه‌ها                  |
| ۳۴۰ | الشُّعْرَاءُ / شاعران                 |
| ۳۴۲ | دَمِي / خون من                        |
| ۳۴۲ | كِي أَصْحَكُ / تا بخندم               |
| ۳۴۴ | المائدة / سفره                        |
| ۳۴۴ | الرياح / باد                          |
| ۳۴۶ | والماء / آب                           |
| ۳۴۶ | لَمْ نَشِخْ / پیر نشدیم               |
| ۳۴۸ | نَجْمَةٌ مُطْفَأَةٌ / ستاره خاموش     |
| ۳۴۸ | لَبِسْتُ وَجْهَكَ / چهره‌ات را پوشیدم |
| ۳۵۰ | سَكْرَةٌ / سرمستی                     |
| ۳۵۰ | وفرحت / شادمانم                       |
| ۳۵۲ | الشَّعْرُ / شعر                       |
| ۳۵۲ | أوغلت فی / در من حلول کردی            |
| ۳۵۴ | لَمْ لَا يَكْتَبُ / چرا ننوشتند       |
| ۳۵۴ | ابتدیء من هنا / از همین جا آغاز کن    |
| ۳۵۶ | الشیء / چیزی                          |
| ۳۵۶ | أَعْرِفُ أَنْ / می‌دانم که            |
| ۳۵۸ | كل شیء / همه چیز                      |
| ۳۵۸ | حیرتی / افسوس من                      |
| ۳۶۰ | رَسَمْتُ / نقاشی کردم                 |
| ۳۶۰ | رَجِمُ الْفَأْرَةِ / زهدان موش        |
| ۳۶۲ | هذه لحظة / این لحظه                   |
| ۳۶۲ | أنا / من                              |
| ۳۶۴ | أَيْنَ الْفَرْقُ؟ / تفاوت کجاست؟      |

|     |                                               |
|-----|-----------------------------------------------|
| ۳۶۴ | شرق الجمال / طلوع زیبایی                      |
| ۳۶۶ | عَبْرَ دَرَبی / طی مسیرم                      |
| ۳۶۶ | مرثیه / سوگ سرود                              |
| ۳۶۸ | أَئِنَّ كُنْتُ / کجا بودی؟                    |
| ۳۶۸ | ابونواس / ابونواس                             |
| ۳۷۰ | ماذا أنا / چیستم                              |
| ۳۷۰ | لَمْ أُجِبْهَا / جوابش را ندادم               |
| ۳۷۲ | رُؤْيَا / رؤیا                                |
| ۳۷۲ | لتاریخ نَیام / تاریخ خفته                     |
| ۳۷۴ | الْأَيَّامُ السَّبْعَةُ / روزهای هفتگانه      |
| ۳۷۴ | أنا والزوايا / من و کنج ویرانه‌ها             |
| ۳۷۶ | وَطْنٍ / میهن                                 |
| ۳۷۶ | أُرِيدُ أَنْ / خواهم که                       |
| ۳۷۸ | الاشیاء / چیزها                               |
| ۳۷۸ | فی نهاية الفصول / در پایان فصل‌ها             |
| ۳۸۰ | سَازُور / بازخواهم دید                        |
| ۳۸۰ | شِفَاهُنَا / لب‌های ما                        |
| ۳۸۲ | اجلس / می‌نشینم                               |
| ۳۸۲ | عادَ شَدَادٍ / شَدَادِ باز آمد                |
| ۳۸۴ | عالم غریب / جهانِ شگفت                        |
| ۳۸۴ | ریاح / بادها                                  |
| ۳۸۶ | الهواء / هوا                                  |
| ۳۸۶ | زَمَنُ الْمَوْتِ / زمان مرگ                   |
| ۳۸۸ | خرجوا مِنَ الْكُتُبِ / از کتاب‌ها بیرون رفتند |
| ۳۸۸ | لِمَاذَا / چرا؟                               |
| ۳۹۰ | مَلِكُ الظُّلُمَاتِ / پادشاه تاریکی‌ها        |
| ۳۹۳ | کتاب‌نامه                                     |

## سرسخن

«كُلَّمَا اتَّسَعَتِ الرُّؤْيَةُ ضَاقَتِ الْعِبَارَةُ»<sup>۱</sup>  
التَّفَرُّي

### - ۱ -

سلوک فکری و شعری آدونیس را پیش‌تر در مقدمه کتاب‌های تصوف و سوررئالیسم؛ متن قرآنی و آفاق نگارش؛ سنت و تجدد و آب به تنهایی پاسخ‌تشنگی نیست، از زوایای مختلف بررسی کرده‌ام و نیز در شماره ۷۰ ماهنامه تجربه. از این‌رو، در جستار حاضر کوشیدم شعر او را در پرتو اندیشه‌های هایدگر واکاوم و این جمله معروف او را تبیین کنم: «من از آینده می‌آیم»؛ جمله‌ای که هم کلید فهم بسیاری از اشعار او است و هم نشانه تأثیرپذیری او از شعر و فلسفه آلمان؛ زیرا هایدگر<sup>۱</sup> هولدرلین را شاعری می‌دانست که از آینده آمده است.

### - ۲ -

آدونیس در کنار چندین شخصیت جریان‌ساز شعر کلاسیک و معاصر

---

۱. هرگاه گستره رؤیت فراخ شد، عبارت تنگ آمد.

عرب: امرؤ القیس؛ ابوتمام؛ متنبی و السّیّاب، به تعبیر ادوارد سعید فقید، شاعر عظیم و یگانه‌ای است که به شهادت بیشتر منتقدان 'پیش‌آهنگِ جریان شعری است که در گذشته یا اکنون حریف و هم‌وردی نداشته و ندارد و از راز ملکهٔ زبانی نادر و وجدانی اصیل بهره‌مند است که با توجه به آثار شعری و اندیشگانی‌اش، پدیدهٔ فرهنگی یگانه و شخصیتی استثنایی است که بیشتر مخاطبان جدی شعر و منتقدان جهان و به‌ویژه عرب‌زبان‌ها برای همیشه دین‌دارش خواهند بود.

### - ۳ -

آدوینس نه تنها شاعر؛ بلکه به تعبیری، متفکری است که در شعر می‌اندیشد. از همین رو، او شاعری در اعماق است که رسیدن به ژرفای شعر و اندیشه‌اش، اگر محال نباشد، بسیار صعب است؛ زیرا متن پنهانِ اندیشه و شعرش به ژرفا و فراخیِ اقیانوس آرام است. آثار وی، به‌ویژه دفترهای شعرش، مجمع‌البحرین ادب اسلامی و ادب غربی است. حضور فیلسوفانی از یونان و رم باستان: هراکلیتوس و سنکا گرفته تا اروپای امروز: هایدگر و نیچه و نیز شاعرانی چون هولدرلین؛ ریلکه؛ بودلر و رمبو در کنار متنبی؛ ابوالعلاء معری؛ ابوتّمام و بسی نام‌های بزرگ دیگر گواه تلاقی این دو دریاست. تکرار و تعدد نام‌های متفکران و شاعران بزرگ دو جهان اسلام و غرب در آثار وی به حدی است که می‌توان از آن به «جشنوارهٔ بزرگ نام‌ها» یاد کرد.

### - ۴ -

او را با توجه به آثار تحقیقی و متون شعری متکثر و متنوعش، به‌ویژه الکتاب، می‌توان پرده‌دارِ میراث ادب اسلامی به شمار آورد. کمتر

شاعر و محققى در گذشته و حال جهان اسلام مى‌توان یافت که همانند وی چنین آثار ماندگارى خلق کرده باشد که هم 'آرزوى دست‌نیافتنى پل نويای ایزدی' فرانسوى را محقق کند و هم 'مشتاقان آشنایى با ادب اسلامى را سیراب سازد. او به مدد بینش خویش این مهم را هم در آثار تحقیقى مانند ثابت و متحول؛ تصوف و سوررنالیسم و متن قرآنى و آفاق نگارش و هم در متون شعرى‌اش محقق ساخته است. مهیار دمشقى<sup>۱</sup> ابتدا میراث کهن ادب اسلامى را به‌دقت خوانده و در فرایند خواندن، منتخبى از دو جریان ادبى، تحت عنوان دیوان الشعر العربى در چهار جلد و دیوان النثر العربى نیز در چهار جلد فراهم آورده است. آنگاه در پرتو نگرش و بینش خویش به خوانش امروزی این میراث گرانسنگ پرداخته و عملاً نشان داده است که این میراث، ازجمله تصوف، آبخور بسيارى از جریان‌های شگرف و شگفت معاصر جهان، مانند سوررنالیسم است.

## - ۵ -

مهیار دمشقى همانند باختین مشخصه‌اى اصلی گفتار را خاصیت و منطق گفت‌وگویی: سويۀ بینامتنی آن مى‌داند و معتقد است هر سخن درباره‌ هر موضوع خاصى، به ناگزیر با تمامى سخن‌های پیش و پس از خود در گفت‌وگو است؛ لذا هر صدای مستقل تنها از طریق آمیختن با مجموعه پیچیده‌ای از همسرایان به گوش دیگران مى‌رسد. این مجموعه<sup>۲</sup> از صداهاى تشکيل مى‌شود که از قبل حضور داشته‌اند. از همین رو، آدونس خود را ملزم مى‌داند تفسیرى نو از فرهنگ اسلامى ارائه دهد؛ زیرا این فرهنگِ سترگ مجموعه سخنانى است که در

۱. مهیار دمشقى نقابى‌ست که آدونس آن را از میراث شعر عربى، شاعر ایرانی‌تبار زرتشتى‌مذهب، مهیار بن مرزويه ديلمى گرفته است، که در سده پنجم به محله شیعه‌نشین بغداد پناه برد و به دست شریف رضى مذهب شیعه اختیار کرد.

خاطره جمعی حفظ شده است و هر گوینده باید جایگاه خود را در قیاس با آن تعیین کند. او گفت وگومندی را نشانه عقلانیت فرهنگ‌ها و تمدن‌ها می‌داند. به همین دلیل با چهره‌های سرآمد دوره‌های عقلانی تمدن اسلامی، که دولتی مستعجل بود، به گفت‌وگو می‌نشیند. این مهم را 'هم در آثار تحقیقی و هم در متون شعری وی، به ویژه الکتاب شاهد هستیم.

همین باور راسخ او به منطق گفت‌وگوست که رنج و مشقت سفر به اطراف و اکناف عالم را که قدما آن را قطعه‌ای از جهنم می‌خواندند، بر وی سهل می‌کند تا آن را به جان بخرد. این مسافر نور عملاً در آثار شعری و تحقیقی خود این حکمت هراکلیتوس: «عالم هماهنگی کُشش‌هاست» را تصویر می‌کند. البته همین هماهنگی کُشش‌هاست که از وی و شعرش چهره‌ای ماندگار و جهانی ساخته تا پرچم آینده را به دوش کشد و از آینده بیايد و نیز جمعی شود در صیغه مفرد. گفت‌وگو چنان در تاروپود وجود او پیچیده و نهادینه شده که هر کشوری که او را فرامی‌خواند، بی‌درنگ برای گفت‌وگو بدان جا می‌شتابد. البته او فرق میان گفت‌وگو و اسلوب غالب فرهنگ جهان اسلام، مناظره، را خوب می‌داند و نیک واقف است که گفت‌وگو برخلاف مناظره دارای لوازم و شرایطی است. از همین رو، در همان زمان که محمد خاتمی مقوله گفت‌وگوی تمدن‌ها را مطرح کرد، آدونیس از او پرسید طرف‌های این گفت‌وگو کدام اسلام و کدام غرب هستند؟

#### - ۶ -

او هستی‌اش را تنها با هر آن چیزی که از زمره زندگانی است عوض می‌کند و نیز بذری حاصلی نیست که نه جهان را تفسیر کرده و نه آن را تغییر داده، بلکه از بدو امر کوشیده در این پروژه ناتمام خویش، نخست

به تفسیر منظومه شمسی فرهنگ اسلامی پردازد و بعد از حشرونشر با برخی چهره‌های سرآمد و جان‌های بی‌تاب فرهنگ اسلامی مثل ابن مقفع؛ رازی؛ راوندی و نیز آشنایی با فیلسوفان غرب، به‌ویژه مارکس که گفته بود «هرآنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود»، تمام هم‌وغم او تغییر شد؛ چندان‌که شاعر تغییر نام گرفت.

## - ۷ -

اگر اندک زمانی به شعر شاعر پژواک‌ها و ریشه‌ها گوش بسپاریم و آن را نیک بنیوشیم و نیز خوب در آن خیره شویم، صداها و ریشه‌های متعددی را از آن می‌شنویم و در آن می‌بینیم؛ هم 'صدای شاعران و فیلسوفان یونان قدیم و اروپا را و هم 'صدای شاعران، متفکران و عارفان بزرگ جهان اسلام را. او در بدو شاعری‌اش همانند آرتور رمبوی فرانسوی فریاد برآورد: «من همان دیگری هستم.» انتخاب نام آدونیس تا حدودی گویای همین حقیقت است؛ ولی بعدها که متون شعری وی پژواک صدای فیلسوفان و شاعران بزرگ و محل اجتماع وفاق‌آمیز آنان شد، این بار برخلاف رمبو به ما متذکر شد: «آن دیگری من است.» او با اختیار نام آدونیس، میان گذشته و حال؛ شرق و غرب؛ جنوب و شمال پلی استوار برقرار کرد تا شاعر رازها و ریشه‌ها شود و انسانی که هزارها سال انسان را زیسته، و تجربه آن‌ها را در شعر خود تصویر کرده است.

## - ۸ -

او مسافری با زادوتوشه‌ای از نور و صداقت است برای نوری بیشتر و بینشی عمیق‌تر و نیز برای جستن دوستانی راستین و همراهانی همدل. از همین‌رو، پیوسته رغبت و میل وافر دارد که چیزی به جهان بیفزاید

که با تمام وجود برای آن می‌خواهد و آرزو می‌کند، و آن این است که راه‌رهایی از تبعید را به ما تبعیدیان نشان دهد. او چیزی به ما عرضه می‌دارد که نیازمند آن هستیم. به همین دلیل شعرهای این نور مشرقی متضمن مضامین و موضوعاتی ابدی مانند عشق، طبیعت و تنهایی است، که به راحتی می‌توان آن‌ها را به نثر بیان کرد. همچنین به تعبیر خودش، زیباترین و زلال‌ترین باران 'از ابرهای پیکر شعر وی می‌بارد که می‌تواند جان‌های بسیاری را سیراب کند.

#### - ۹ -

آدونیس که به قول فرانسیس بیکن رام و تسلیم بت‌های قبیله نمی‌شود، همان اولیسِ اودیسهٔ عرب است که پیوسته می‌کوشد راه بازگشت را به جهان اسلام نشان دهد. این قهرمان همیشه‌مسافر پیوسته به کشورهایی با فرهنگ‌های مختلف، از آمریکای لاتین تا ژاپن و چین؛ از آفریقا تا اروپای شمالی و تمام کشورهای خاورمیانه سفر می‌کند و به یاد ما می‌آورد که واژه‌هایش بادهایی هستند که زندگی را به جنبش درمی‌آورند و ترانه‌هایش اخگرند و خود 'زبانِ خدایی است که می‌آید.

#### - ۱۰ -

آدونیس به‌طور عملی، نه نظری، فرآیند بازگشت به خویشتن را تجربه کرده و پیوسته به خوانندگان و دوست‌داران خویش آموزهٔ بازگشت به خویشتن را در روزگار هویت‌های چهل‌تکه می‌آموزد. اگر در روزگار گذشته نمود این خویشتن در بوطیقای گفتار بنیادی میسر بود، در روزگار جدید در بوطیقای نوشتار بنیادی ممکن است؛ از همین رو، در بدو عمر از سرایش شعر می‌آغازد و پس از آن به نوشتن شعر روی می‌آورد و خاطر نشان می‌سازد که ما ضمن سدانّت این میراث

بزرگ جهان اسلام، باید امانت‌دار آن هم باشیم؛ لذا لازم است در روزآمد ساختن این فرهنگ و تأثیرگذاری آن و جهت‌بخشی به زندگی فرهنگی‌مان بکوشیم. امروز نیز هویت چیزی آماده در گذشته نیست، بلکه باید خود، آن را در درون این میراث از نو بسازیم و محقق کنیم، و این فرایند 'بی‌انجام و بی‌پایان' است. او بر این باور است که فرهنگ جهان اسلام که به تعبیری حکم توبره‌ای را دارد که بر پشت من است و میراث هفت‌پشت من، جزئی از حافظه فرهنگی ما شده که باید با روش‌های بنیادی در نقد آن بکوشیم و بدانیم که واژه‌ها در حافظه‌ها متولد می‌شود و مرزی میان گذشته و حال نمی‌شناسند.

از همین رو، متون شعری وی دفتر ثبت حوادث و وقایع تاریخ گذشته نیست، بلکه روایتی شاعرانه از این حوادث و وقایع است و آینه‌ای در برابر ما می‌نهد تا به‌طور بنیادی، فرهنگ حاکم بر جهان اسلام در طول تاریخ را به‌طور ریشه‌ای و فلسفی نقد کنیم.

## - ۱۱ -

بی‌همتایی و منحصر به فرد بودن صدای آدونیس در شعر معاصر عربی، نه تنها به دلیل انقلاب او در زبان شعر و فهم معنی ادبی است؛ بلکه به این دلیل است که مانند شاعران بزرگ جهان 'مخاطبان خود را با زبانی غنی از دلالت‌های فلسفی مرتبط به مسائل زندگی و هستی و پنهان در متن شعری، به‌طور جدی مورد خطاب قرار می‌دهد. او در تجربه‌های شعری‌اش تنها به طرح پرسش‌هایی درباره بوطیقا بسنده نمی‌کند؛ بلکه علاوه بر آن، پرسش‌هایی نیز درباره عوامل تکوین هویت فردی و خویش‌شن خویش و نیز درباره ارزش‌ها، معرفت، حقیقت، عقل، غربت، هستی و انسان مطرح می‌سازد. پرسش اصلی و مکرر در همه آثار شعری وی این است که چگونه می‌توان فرایند

بازگشت به خویشتن را تجربه کرد؟ شناخت معنی خویشتن و معرفت پیدا کردن بدان، نقش بسیار مهمی در آثار شعری وی بازی می‌کند. او معتقد است که حقیقت از بیرون نمی‌آید؛ بلکه تنها از درون انسان حاصل می‌شود، از همین رو، در تجربه شعری‌اش، خویشتن خویش یا به تعبیری شخصیتش را در شخصیت‌ها و آینه‌هایی مانند مهیار، متنبی، نَفَری متبلور می‌بیند. از همین رو، شعار همیشگی وی هم «الیگوی»<sup>۱</sup> کی‌یوکه‌گور است: «من انتخاب می‌کنم پس هستم» و هم «کوگیتوی»<sup>۲</sup> دکارتی: من فکر می‌کنم پس هستم. (ضاهر، ۲۰۱۱: ۸) از این رو، می‌نویسد: «ای منی که دور می‌شوی ز من؛ به‌سوی من بازگرد و مرا به آنچه من است بازگردان»، همچنین تصریح می‌کند برای اینکه مطمئن شوم که من خودم هستم به ناگزیر باید بمیرم.

## - ۱۲ -

سه عامل مهم در تکوین شخصیت شعری و فکری آدونیس نقش بنیادی ایفا کرده است: نخست گرایش و وابستگی او به حزب ناسیونال سوسیالیست به‌ویژه رهبر آن، اَنطون سعادۀ؛ دودِیگر علاقه وافر وی به میراث گران‌سنگ تصوف اسلامی و سه‌دیگر انتقال او از دمشق به بیروت و آنگاه به پاریس.

## - ۱۳ -

بیشتر فلاسفه به شکاف عظیمی میان شعر و فلسفه قائل‌اند؛ اما برخی از آنان همانند هایدگر شعر را به‌مثابه شعر، نوعی معرفت غیرعقلانی می‌دانند که از معرفت فلسفی ژرف‌تر است. از همین رو، شعر می‌تواند الهام‌بخش فلاسفه بسیاری باشد، چه مشتمل بر

---

1. Eligo.

2. Cogito.

نوعی معرفت فلسفی است. شعر وی، نه تنها با فلسفه پیوند دارد که مانند فلسفه، پرسش‌هایی پیرامون زندگی و هستی مطرح می‌کند و از آن فراتر می‌رود و به مرز یکی شدن با فلسفه می‌رسد. از همین رو، برخی بر این باورند که او از فردیتِ دکارتی عبور کرده و به فردانیت و وحدانیت کی‌یوکه‌گور رسیده است.

آدونیس پیش از آنکه نظریه‌پرداز، متفکری روشمند یا فیلسوفی حرفه‌ای باشد، شاعری نادر و متفکر است، نه به این معنی که اول فکر می‌کند و بعد اندیشه را به شعر تبدیل می‌کند؛ بلکه به این معنی که وقتی شعر می‌گوید، می‌اندیشد و فکر می‌کند. در یک کلام، شعر گفتن وی نوعی فکر کردن است. این سلوک او را 'هم در آثار شعری و هم در آثار غیرشعری وی، مانند زمان شعر و تصوف و سوررئالیسم شاهد هستیم. همچنین در متون شعری‌اش خود تصریح می‌کند اندیشه به تنهایی در سر نیست؛ بلکه در پیکر ماست و بیش از آنکه در سرمان باشد، در پاهای ما حضور دارد. به عبارتی او معتقد است فکر همان وحدت عمیق میان دو پیکر است نه میان دو اندیشه. و همچنین بر این باور است که حقیقت از بیرون نمی‌آید؛ بلکه از درون می‌آید. شعر ما را به معرفتی ژرف‌تر از معرفت فلسفی می‌رساند.

#### - ۱۴ -

در پایان، گفتنی‌ست ترجمه شعرهای این مبهم‌گوی شعرنویس، نه، شعرسرای مدرن، و فرارونده از چارچوب‌های معهود، کاری پرمخاطره است؛ زیرا به تعبیر خانم آن واد منکوفسکی، مترجم آثار وی به فرانسه، ترجمه شعر او منوط به محقق شدن این مهم است که خود را در برابر شعری بدانیم که قائم به اشاره و تلمیح است؛ چه

اورفه<sup>۱</sup> جهان اسلام شاعر رازها و ریشه‌هاست و شعرش حکم کتاب مرجع و قاموس پدیده‌هاست؛ پدیده‌های مرئی و نامرئی؛ ملموس و ناملموس؛ واقعی و خیالی؛ قدیمی و جدید؛ کتاب گشوده‌ای به روی همگان و کتاب آستانه ورود و دروازه خروج با قواعد و نظام خاص خویش. از همین رو، و نیز وقوف بر اصل ترجمه‌ناپذیری شعری که حدود ده سده بیشتر جاحظ بصری بدان تصریح کرده بود، متن عربی و فارسی هر شعر را برابر هم قرار دادیم تا خواننده در فضای لایتناهی آن قرار گیرد و آزادی را که تمام پویه انسان به‌سوی آن است، در فهم شعر تجربه کند.

تهیه منتخبی از شعر آدونیس و ترجمه آن، سال‌هاست یکی از دغدغه‌های مهم زندگی من بوده؛ چراکه عمدتاً در فضای شعر و اندیشه او نفس می‌کشم. از همین رو، مدت مدیدی به جست‌وجوی منتخبات مختلف شعر وی در زبان‌های عربی، فارسی و انگلیسی پرداختم و مدت‌ها با آن‌ها زیستم؛ به‌ویژه جدیدترین منتخب انگلیسی آن:

ADONIS. SELECTED POEMS. TRANSLATED FROM THE ARABIC BY  
KHALED ATTAWA. NEW HAVEN & LONDON YALE UNIVERSITY  
PRESS. 2010.

که دوست شاعر و نویسنده و محقق یگانه یکنه‌دنیانشینم، خانم دکتر شیرین قدس، اصل کتاب را تهیه کرد و برایم فرستاد. در بدو امر در صدد بودم با تکیه بر همین کتاب چهارصد صفحه‌ای، منتخبی سه‌زبانه: عربی، فارسی و انگلیسی از شعر آدونیس تهیه کنم تا اینکه با پیشنهاد و تشویق دوست و همکار فرهیخته‌ام، دکتر محمدرضا حاجی‌آقابابایی، مواجه شدم، او بود که مرا به تهیه منتخب دوزبانه حاضر برآغایید. در اینجا هم از ایشان و هم از همکار دقیق‌النظم

۱. اورفئوس، خواننده‌ای در اساطیر یونان که نغمه‌ای چنگ او درخت‌ها و سنگ‌ها را افسون می‌کرد.

خانم دکتر زهرا صابری تبریزی که متن ترجمه را با دقت ویژه‌شان خواندند و ویراستند، و نیز از خانم مریم بخشی برای حروف‌چینی اولیه متن عربی و فارسی کتاب از جان‌ودل ممنونم. همچنین، قدردان دوست و برادر شفیع، استاد مهدی سجودی مقدم، مدیر مدبر نشر مهراندیش هستم که کتاب را زندگی می‌کند؛ به‌ویژه این کتاب را و همکار هنرمندشان سرکار خانم سیمین مددی برای صفحه‌آرایی بی‌نظریشان.

گفتنی است در تدوین این منتخب دوزبانه، از منتخب محمد عُضیمه از شعرهای آدونیس: دیوان الشعر العربی الجدید بسیار بهره بردم. گزینش شعرهای این مجموعه هم بر اساس سیر تاریخی آن‌ها نبوده و هم گزینشی آزادانه از میان شعرهای کوتاه و بلند شاعر بوده است؛ همچنان که خود در دیوان البیت الواحد فی الشعر العربی و دیگر منتخبات شعری رفتار کرده است. در این به‌گزینی‌ها لحظه‌های ناب شاعرانه و اندیشه‌های والای شاعر، بیش از هر چیزی پیش نظر بوده است.

وَاللّٰهُ مِنْ وَرَاءِ الْقَصْدِ

تابستان ۱۴۰۱

ح.ع

